

رویکردی مشارکتی به موضوع تألیف کتاب‌های درسی (۲)

چندتألیفی

تاریخچه برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در ایران

مجتبی مقصدی

معرفی

همان‌طور که در مقاله شماره یک گفته شد در این سلسله مقالات به موضوع چندتألیفی در کتاب‌های درسی پرداخته می‌شود. کتاب درسی تا قبل از اوایل دهه چهل هجری شمسی توسط ناشران بخش خصوصی تولید می‌شد که از همان سال‌ها به انحصار دولت درآمد. به‌رغم اعلام سیاست واگذاری تألیف کتاب درسی به بخش خصوصی در سال‌های گذشته، هیچ‌گاه این موضوع به جد دنبال نشده است و تولید کتاب درسی به جز چند نمونه کم‌شمارگان، همچنان در انحصار بخش دولتی است. در مقاله قبل ضمن بیان مصوبات و آئین‌نامه‌های مربوط به چندتألیفی به تجربیات کشورهای کره جنوبی، ژاپن و مغرب در زمینه واگذاری تألیف کتاب‌های درسی اشاره شد.

کشورمان نیز در گذشته چنین تجربیاتی را داشته است که در این مقاله سیر تاریخی تألیف کتاب‌های درسی در ایران از زمان تأسیس دارالفنون به اختصار بیان می‌شود.

مطالعه سیر تحول برنامه‌ریزی درسی از حیث چگونگی مسئولیت دولت در تدوین چارچوب انتظارات در برنامه درسی مدرسه، نحوه انتخاب و تولید مواد آموزشی و قیمت‌گذاری به‌طور کلی ۳ دوره

متمایز از هم را نشان می‌دهد:

الف: مراکز آموزشی در نقش برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده در همه مؤلفه‌های برنامه درسی (تا قبل از سال ۱۳۰۶ ه.ش)

ب: مراکز آموزشی در نقش انتخابگر مواد آموزشی از ۱۳۰۶ ه.ش تا سال ۱۳۴۱-۴۲

ج: مراکز آموزشی در نقش مجری صرف برنامه‌های درسی از سال ۱۳۴۲ به بعد.

چنانچه بخواهیم نظام چندتألیفی را دوباره احیا کنیم آگاهی از تجارب گذشته و دلایلی که باعث شد نظام چندتألیفی به نظام تک تألیفی دولتی تبدیل شود ما را از اشتباهات گذشته برحذر خواهد داشت و سبب خواهد شد ما و روش‌های معقول‌تری را در پیش بگیریم.

الف: مراکز آموزشی در نقش برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده

سراغ‌آز تدوین کتاب‌های درسی در ایران را باید با تأسیس نخستین مدرسه به سبک نوین در ایران، همزمان دانست. یعنی وقتی دارالفنون (۱۲۳۰ ه.ش) به همت «میرزاتقی

شد. مدارس خصوصی چون سازمان و برنامه مشخص و روشنی نداشتند هر کدام متناسب با نظر و علاقه مدیر و معلمان خود، از کتاب‌های مختلف به عنوان کتاب درسی استفاده می‌کردند.^۴

میرزا حسن رشديه نخستین مؤلف کتاب‌های درسی ابتدایی در ایران است. از او ۲۷ کتاب چاپ شده موجود است. رشديه این کتاب‌ها را با هزینه خود چاپ می‌کرد و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد.^۵

در سال‌های بعد مدارس ویژه‌ای در تهران و شهرستان‌ها دایر شد و کتاب‌های درسی را مؤسسان، مدیران و معلمان این مدارس تألیف و منتشر کردند.^۶

کتاب‌هایی که برای دوره ابتدایی نوشته می‌شد براساس سلیقه و تجارب نویسنده بود و هدف و برنامه نیز همان اندیشه‌های نویسنده بود که اغلب با شرایط سنی کودکان و مسائل یادگیری آن مطابقت نداشت. نخستین مدرسه

متوسطه در ایران^۸ در سال ۱۳۱۵ ق / ۱۲۷۵ ش به نام «مدرسه علمیه» تأسیس شد. در این مدرسه علاوه بر درس‌های ادبی، درس‌های فیزیک و شیمی و ریاضی و طبیعی نیز تدریس می‌شد. اما درس‌ها کتاب و برنامه منظمی نداشتند. معلمین نیز برای تدریس آموزش اختصاصی ندیده بودند. اغلب این معلمین از کتاب‌ها و جزوه‌هایی که خود در دارالفنون داشتند در کلاس درس جزوه می‌گفتند و بچه‌ها می‌نوشتند.

به این ترتیب، جزوه‌نویسی مهم‌ترین فعالیت آموزشی بود که هنوز هم در بعضی کلاس‌ها ادامه دارد.

در سال ۱۳۰۰ هـ. ش. قانون «شورای عالی فرهنگ» به تصویب رسید. مطابق آن قانون مؤلفان و ناشران ملزم شدند که کتاب‌های درسی را مطابق برنامه فرهنگ آن زمان تألیف و چاپ نمایند.^۹

در سال ۱۳۰۳ اداره تفتیش وزارت معارف گزارش مفصلی راجع به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس در اختیار وزارت معارف قرار داد که مورد توجه این وزارت قرار گرفت و شورای عالی

خان امیرکبیر» تأسیس شد. این نخستین آموزشگاه عالی به شیوه اروپایی (پلی تکنیک) در ایران بود که کتاب‌های درسی را به صورت یکدست و هماهنگ عرضه داشت. تا قبل از آن تعلیم به شیوه سنتی مکتب‌داری انجام می‌شد و قرآن و اشعار حافظ تا کلیله و دمنه گلستان سعدی و غیره تدریس می‌شد.^۱ مدرسان مکاتب از آزادی عمل بسیاری برخوردار بودند. در انتخاب محتوا و کتاب‌های مورد نیاز، یا خود مدرس کتابی برای آموزش تهیه می‌کرد و یا از کتاب‌های نوشته شده به وسیله دیگران استفاده می‌نمود. آنچه در این دوره قابل اعتناست آزادی عمل مکتب‌خانه‌ها در انتخاب چارچوب انتظارات (نیازها)، محتوای موردنیاز کودکان و نحوه اجرا و ارزشیابی است.

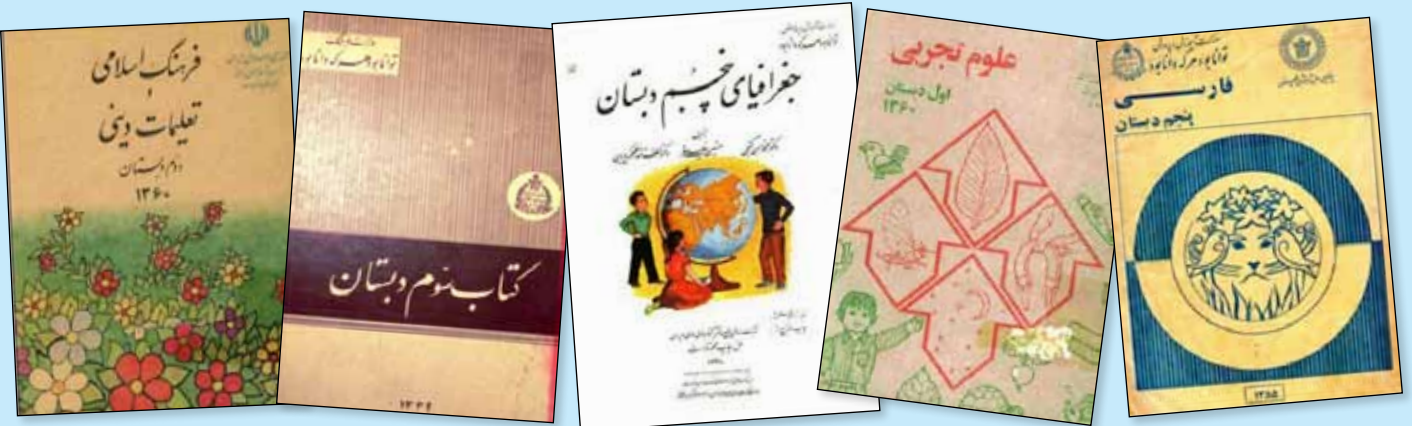
اما با تأسیس دارالفنون، رشته‌هایی برای تحصیل در زمینه‌هایی چون پیاده نظام، توپخانه، هندسه و طب و جراحی، داروسازی و کان‌شناسی به وجود آمد. علاوه بر رشته‌های یاد شده، مواد اساسی درسی چون زبان خارجه، ادبیات فارسی، علوم طبیعی، ریاضی، تاریخ و جغرافیا و نقاشی نیز تدریس می‌شد.^۲

نخستین کتاب‌های درسی راه مترجمان اساتید خارجی با استفاده از یادداشت‌هایی که خود آماده ساخته بودند و یا کتاب‌هایی که آن استادان از خارج آورده یا در ایران نوشته بودند، فراهم آوردند. آن کتاب‌ها در چاپخانه دارالفنون^۳ به صورت چاپ سنگی تهیه می‌شد و در دسترس دانشجویان قرار می‌گرفت.

نخستین مشکلی که برای تهیه کتاب‌های درسی وجود داشت، نداشتن اصطلاحات علمی تعریف شده‌ای بود که به جای واژه‌های خارجی به کار می‌رود. نداشتن کاغذ و مرکب مرغوب، فقدان استادکار ماهر و تجهیزات ناقص، از دیگر مشکلاتی بود که با مدیریت و کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم و رضاقلی هدایت، ناظم و سرپرست مدرسه برطرف شد. مدیریت آگاهانه سبب شد که استادان خارجی هر سال یک کتاب بنویسند و مترجمان ایرانی آن‌ها را به فارسی برگردانند.

کتاب‌های درسی مدارس جدید تا ۱۳۰۷

نخستین مدرسه ابتدایی به سبک جدید ۳۷ و نخستین دبیرستان ۴۵ سال پس از تأسیس دارالفنون در ایران تأسیس



نمونه‌هایی از کتاب‌های درسی قدیمی



معارف در تیرماه ۱۳۰۴ مواد چهارگانه ذیل را تصویب نمود:

۱. کمیسیونی تشکیل شود که تمام کتب کلاسی را در تحت دقت قرار داده بهترین آن‌ها را برای تدریس در تمام مدارس مرکز و ولایات انتخاب نماید؛

۲. هر کتابی را که کمیسیون انتخاب نماید به شورای عالی معارف اطلاع بدهد بعد از جلب نظر شورا، تدریس آن تصویب شود؛

۳. تدریس کتب منتخبه از ۱۶ شهریور ۱۳۰۵ خواهد بود؛

۴. اداره کل معارف به تمام کتابخانه‌ها و مصنفین و مؤلفین اعلام نماید که کتب خود را تا ابتدای فروردین ۱۳۰۵ برای ملاحظه کمیسیون حاضر نمایند.

کمیسیون براساس اهمیت موضوع می‌تواند از معلمین فاضل، مجرب و متخصص در هر رشته دعوت کند.^{۱۰}

وظایف کمیسیون در انتخاب کتاب عبارت بود از:

- تشخیص صحت مطالب و حسن اسلوب کتب و مطابقت و موافقت آن‌ها با اصول تربیت دینی و ملی از حیث تأثیر اخلاقی و فکری؛

- تشخیص موافقت و عدم موافقت مندرجات کتب با دستور رسمی مدارس؛

- ترجیح کتب از حیث صحت اصول انشا و ترجمه و حسن خط و طبع و تصویر و کاغذ و غیره.^{۱۱}

در سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴
وزارت فرهنگ به همه کتاب‌هایی که ظاهرآ با برنامه آن مطابقت داشت، اجازه انتشار می‌داد. به طوری که به جای ۸۰ عنوان کتاب درسی مورد نیاز برای دوره دبیرستان حدود ۴۲۸ عنوان کتاب چاپ شده بود

ب: مراکز آموزشی در نقش انتخابگر مواد آموزشی

در این دوره که از سال ۱۳۰۶ تا سال ۱۳۴۲ طول کشید مراکز می‌توانستند از بین کتاب‌هایی که دارای ویژگی‌های مورد نظر بودند محتوای آموزشی خود را انتخاب کنند و یا محتوای درس خود را به نحوی تهیه کنند که با ضوابط تعیین شده هم‌خوان باشد. برای اولین بار وزارت معارف در آن زمان برنامه ساعات هفتگی دروس مدارس را با عنوان «دستور تعلیمات شش‌ساله ابتدایی مدارس» تهیه و تصویب کرد.^{۱۲}

در سال ۱۳۰۸، بنا به تصویب هیئت دولت، تألیف و چاپ کتاب‌های ابتدایی در انحصار دولت قرار گرفت. از آن پس کتاب‌هایی که به راهنمایی و سرپرستی وزارت فرهنگ انتشار یافت از لحاظ مفاهیم علمی و ادبی متناسب با نیاز سنی دانش‌آموزان و احتیاجات اجتماعی آنان بود و نسبت به کتاب‌های قبلی ارزان‌تر و از نظر چاپ هم مرغوب‌تر بود، لذا مشکل تحصیل دانش‌آموزان از نظر کتاب کاهش یافت.

در کنار اقدامات مربوط به انتشار کتاب‌های وزارتی (سال ۱۳۰۸) پروگرام یا برنامه طبع کتب در ولایات پیش‌بینی گردید. منظور از پروگرام طبع کتب، تهیه و اجرای یک پروگرام اجباری و الزامی نیست، بلکه مراد این است که با رعایت احتیاجات و بنیه مالی و استطاعت علمی و ادبی هر حوزه‌ای طبع کتاب‌هایی صورت گیرد و همه آن‌ها نکات زیر را رعایت کنند.

اول: در هر محل کتب تاریخی و جغرافیایی مخصوص آن

محل و یا کتبی که از تحقیقات علمی و ادبی راجع به آن محل گفت‌وگو می‌کند اگر موجود باشد به طبع برسد و اگر موجود نیست به تألیف و طبع آن‌ها اقدام شود.

دوم: وسایل تألیف و طبع فرهنگ‌ها و مجموعه‌هایی حاکی از مختصات محلی مانند افسانه‌ها، و لغات محلی و امثال آن‌ها فراهم شود.

سوم: شرکت‌های طبع یا ناشرین کتب هر محل به طبع و تصحیح آثار مشاهیر ادبی و فصحا و نویسندگان و شعرابی که از آن محل برخاسته‌اند تشویق شوند.^{۱۳}

در سال ۱۳۱۷ براساس تصویب‌نامه هیئت وزیران، هیئتی از استادان، دانشیاران و دبیران مطلع و علاقه‌مند، کار تهیه و چاپ کتاب‌های دبیرستانی را برعهده گرفتند. این هیئت تألیف هر یک از مواد درسی را به گروهی از افراد با صلاحیت واگذار کرد. در نتیجه در طول ۳ سال با سرمایه وزارت فرهنگ با عنوان «کتاب وزارتی» حدود هشتاد عنوان کتاب درسی، یک‌دست و هماهنگ، از نظر شکل ظاهری و محتوا با کمیت و کیفیت بهتری نسبت به گذشته، برای دبیرستان‌ها تألیف و چاپ شد. علاوه بر کتاب‌های ابتدایی و متوسطه، منتخبی از متون معتبر و شاهکارهای زبان فارسی، نظیر شاهنامه، گلستان، منطق‌الطیر و جزء آن نیز تهیه و چاپ شد که در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت.

از ایراداتی که به کتاب‌های وزارتی گرفته می‌شد یکی استفاده از اصطلاحاتی بود که فرهنگستان ایران انتخاب و به‌کارگیری آن‌ها را توصیه کرده بود اما بسیاری از آن‌ها در ذهن معلمان جای نگرفته بود. دیگر آنکه اغلب مفاهیم علمی و ادبی از سطح یادگیری دانش‌آموزان متوسطه بالاتر بود. به هر حال، تعداد دبیرستان‌ها و دانش‌آموزان کشور هم خیلی زیاد نبود و وزارتخانه در سال‌های نخستین به خوبی توانست نیاز دانش‌آموزان را برطرف سازد.^{۱۴}

آزادی تألیف کتاب‌های درسی

بعد از ورود متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰ که تا سال ۱۳۲۴ ادامه یافت، دولت توان ادامه تألیف و چاپ کتاب را از دست داد. به همین سبب، ناشران و چاپخانه‌داران از یک‌سو و مؤلفان و دبیران با سابقه و صاحب‌نظر از سوی دیگر برای انتقال تجربیات و در عین حال کسب درآمدی برای کمک به زندگی خود، به تألیف و چاپ کتاب‌های گوناگون اقدام کردند. وزارت فرهنگ به همه کتاب‌هایی که ظاهرآ با برنامه آن مطابقت داشت، اجازه انتشار می‌داد. به طوری که به جای ۸۰ عنوان کتاب درسی مورد نیاز برای دوره دبیرستان حدود ۴۲۸ عنوان کتاب چاپ شده بود. یعنی از یک عنوان کتاب یا برنامه و موضوع مشخص، از دو تا هفت عنوان کتاب مشابه منتشر می‌شد.^{۱۵}

آزادی تألیف گرچه بسیاری از افراد را به تحقیق و نوشتن تشویق کرد ولیکن چون راهنمایی و نظارت دقیقی به‌دنبال نداشت نابسامانی‌های فراوان به همراه آورد و نتایج مطلوب حاصل نشد. برخی از مشکلات چنین بود:

۱. به‌کار بردن اصطلاحات متفاوت به‌وسیله مؤلفین در انواع کتاب‌های یک ماده درسی؛

۲. نابرابری کیفیت و کمیت کتاب‌هایی که در کلاس‌های

تصمیمات قاطعی به نفع مردم گرفته شود و آن فساد و هرج و مرج پایان یابد (دکتر خانلری، وزیر فرهنگ وقت)

- تکلیف شاگرد و معلم در اولین روز هر سال تحصیلی در خصوص انتخاب کتاب روشن نبود.

- قیمت کتاب‌ها سیر صعودی داشت. اگر دانش‌آموزی از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شد یا دبیرستان خود را عوض می‌کرد دچار مشکل می‌شد. اصطلاحات و تعبیرات در کتاب‌های مختلف یکسان نبود. (حسین لسان)

- توصیه‌ها و دوستی‌ها و روابط در به تصویب رسانیدن و چاپ و تبلیغ کتاب برای فروش و انتخاب آن از طرف مرکز آموزشی اصل قرار گرفته بود.

- مؤلفان بدون آنکه بتوانند یا بخواهند با یک دیگر هماهنگ کار بکنند، کتاب‌هایی را تألیف می‌کردند و مستقیماً به چاپخانه می‌بردند. در نتیجه کتاب‌های درسی گران‌قیمت و در سطحی بسیار پایین‌تر از استاندارد جهانی و پر از غلط به بازار می‌آمد. از این گذشته حتی تا اواخر مهرماه هم کتاب در دسترس همه دانش‌آموزان کشور نبود. (احمد خواجه‌نصیر طوسی)

در این دوره که مراکز آموزشی در نقش انتخابگر کتاب درسی هستند و با وجود مشکلات، تعدادی از مؤلفین هم موفق شدند کتاب‌هایی را که متناسب با وضعیت فرهنگی، قومی، زبانی است تهیه کنند. همچنین رقابت بین آن‌ها سبب می‌شد کتاب‌های تألیف شده به‌طور مستمر اصلاح و بازبینی گردد.

مختلف برای یک ماده درسی تدریس می‌شد؛

۳. گران بودن بهای کتاب‌های درسی با وجود بالا بودن شمارگان آن‌ها؛

۴. عوض شدن کتاب درسی با جابه‌جا شدن معلمان؛^{۱۶}

۵. زیان‌های ناشران و کتاب‌فروشان از تعویض و تغییر کتاب‌ها و راکد ماندن سرمایه آنان؛

۶. دسته‌بندی‌های فرهنگی و تشکیل گروه‌هایی برای اعمال قدرت و سیاست در فرهنگ کشور؛

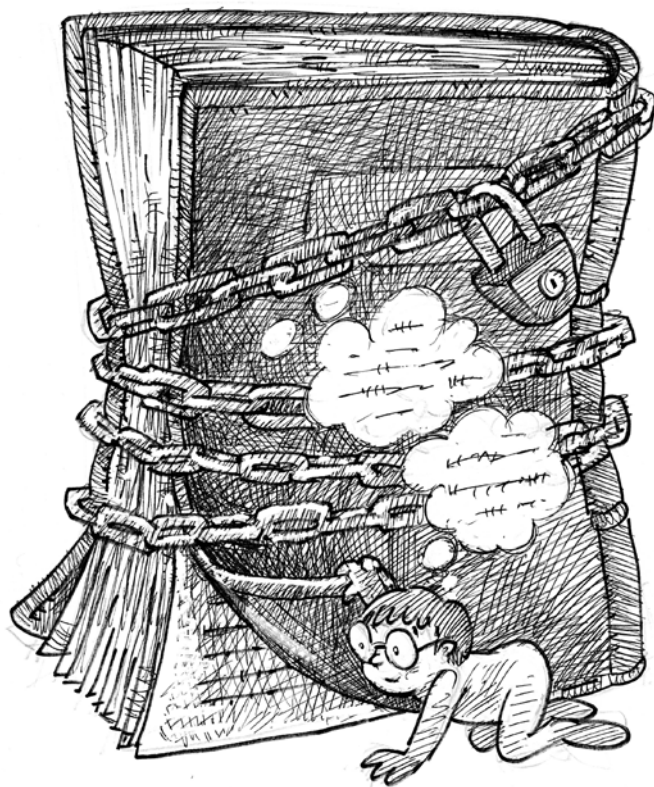
۷. نرسیدن به موقع کتاب و ایجاد بازار سیاه و بی‌دقتی در چاپ.

تأسیس سازمان کتاب‌های درسی ایران

دوره تدوین کتاب‌های درسی تا قبل از سال ۱۳۴۲ توسط تعدادی از صاحب‌نظران و مدیران وقت آموزش و پرورش مورد انتقاد قرار گرفته است. مثلاً جلال آل‌احمد از این دوره با عنوان «بلبشوی کتاب‌های درسی» نام می‌برد. بعضی از ایراداتی که به این دوره گرفته شده به این قرار است:

- این کتاب‌ها بلای جان بچه‌هاست و به‌خاطر تنوع کتاب‌های درسی، شانس و تصادف در امتحانات نهایی و مسابقات علمی و ادبی و کنکورها حاکم است (ملکه طالقانی)

- وضع کتاب‌های درسی در سال‌های اخیر از نظر ابتدال محتویات، و تنوع بی‌حدوحصر، و گرانی آن‌ها و زدوبندها و سوءاستفاده‌هایی که در کار بود به جایی رسید که می‌بایست



با توجه به مشکلات گفته شده، در جلسه‌ای به تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ مصوبه هیئت وزیران، در مورد کتاب‌های درسی، به صورت زیر اعلام شد.

به منظور بهبود وضع کتب درسی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و تهیه متن کتاب‌هایی که متناسب با پیشرفت علم و فرهنگ و ارزانی بها و توزیع منظم باشد هیئت وزیران تصویب نمودند:

ماده ۱. تألیف و تهیه کتاب‌های درسی دبستان و دبیرستان از این تاریخ منحصراً بر عهده وزارت فرهنگ است.

ماده ۲. برای تهیه متون این کتاب‌ها هیئتی در وزارت فرهنگ مرکب از عده‌ای از دبیران و استادان و سایر دانشمندان به تشخیص و دعوت وزارت مزبور تشکیل می‌گردد.

ماده ۳. مادامی که چاپخانه‌های وزارت فرهنگ یا دولتی تا آن حد مجهز نشده است که بتواند کلیه کتاب‌های مورد نیاز را تهیه کند وزارت فرهنگ می‌تواند چاپ و توزیع این کتاب‌ها را به شرکتی مرکب از ناشران و کتاب‌فروشان که صلاحیت فنی و علمی و مالی آنان مورد تأیید وزارت فرهنگ قرار گیرد برای مدت معینی واگذار نماید.

ماده ۴. تا زمانی که متن تمام یا بعضی از کتاب‌های دبیرستانی از طرف هیئت مذکور در ماده ۲ تهیه نشده وزارت فرهنگ می‌تواند از بین تألیفات موجود موقتاً یک کتاب را برای تدریس هر ماده درسی انتخاب و بر طبق مقررات این تصویب نامه منتشر کند.

از سال ۱۳۲۰ تاکنون نظام برنامه‌ریزی درسی سه دوره مجزا را پشت سر گذاشته است. در این سه دوره به تدریج نقش مراکز آموزشی محدودتر شده است و در حال حاضر آنچه برای مراکز آموزشی باقی مانده است تنها وظیفه اجرای برنامه درسی است

ج: مراکز آموزشی به عنوان مجری صرف برنامه‌ها

پس از تأسیس سازمان کتاب‌های درسی از سال ۱۳۴۵ نظام جدید آموزش و پرورش نیز شروع شد. پیش از آنکه این سازمان موفق به تألیف ۱۲۰ عنوان کتاب مورد نیاز شود، کمیسیون‌های تعیین شده از سوی شورای عالی فرهنگ کتاب‌های تألیف شده را بررسی کردند و از میان آن‌ها مناسب‌ترین کتاب‌ها را براساس ضابطه‌ها و معیارهای خود و با نظر داشتن شرایط اجتماعی و سیاسی نظام حاکم به عنوان تنها کتاب مجاز برگزیده‌اند.^{۱۸}

سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی

سازمان کتاب‌های درسی ایران طی ۱۵ سال از نظر تولید کتاب‌های درسی نوآوری‌های چشمگیری انجام داد. کتاب‌هایی که برای اولین بار در آن سازمان تألیف شد از نظر درستی متن، تناسب با یادگیرنده، زیبایی چاپ و جلدبندی با کتاب‌های گذشته بسیار متفاوت بود. قرار بود معلم قبلاً آموزش لازم را ببیند و علاوه بر کتاب درسی از آزمایشگاه و کارگاه و فیلم و دیگر ابزارها و مواد آموزشی کمک بگیرد. اما همه وظایف انواع مواد آموزشی بر عهده کتاب قرار گرفت آن هم اغلب با تأخیر به دست دانش آموز رسید و مشکلات دیگر اجتماعی و آموزشی هم به وجود آمد و چاره کار را در تأسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی یافتند.

قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کنونی) که مسئولیت کار تألیف و چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ایران را نیز بر عهده دارد در ۲۷ تیر ماه ۱۳۵۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و تشکیل شد. مسئولیت این سازمان بسیار گسترده‌تر از تألیف کتاب درسی است. در ماده ۶ این قانون آمده است، از تاریخ تشکیل این سازمان وظایف و اعتبارات و تعهدات سازمان کتاب‌های درسی به این سازمان منتقل می‌شود.

وضعیت کتاب‌های درسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، جریان نظارت و کنترل برنامه و متون درسی برای زدودن آثار فرهنگی نظام پیشین شدت گرفت. به طوری که کتاب درسی، در طول سال‌های گذشته، فقط از سوی دولت تولید شده است. طی دوره زمانی برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، موضوع تنوع‌بخشی به کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی آغاز شد که هیچ‌یک منجر به تنوع تولید کتاب درسی توسط بخش خصوصی و ناشران غیردولتی نشد. مهم‌ترین طرح در این زمینه واگذاری تألیف کتاب‌های درسی به استان‌ها بود که براساس گفته‌های معاون وقت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در سال ۱۳۸۹، ده استان برای تألیف کتاب‌های علوم تجربی، حرفه‌وفن و عربی انتخاب شدند که در نهایت، تألیف کتاب حرفه‌وفن توسط استان‌های فارس و مازندران و کتاب عربی توسط استان کرمان مورد تأیید قرار گرفت.^{۱۹}

اما با تغییر مجدد نظام آموزشی کشور، امکان اجرایی شدن این طرح نیز از بین رفت و اکنون باز هم تنها کتاب‌های درسی موجود، همان کتاب‌هایی است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید و منتشر می‌کند.

جمع‌بندی

با عنایت به موارد مطرح شده می‌توان استنباط کرد که از زمان شروع آموزش جدید و رسمی در ایران در سال ۱۳۳۰ تاکنون نظام برنامه‌ریزی درسی سه دوره مجزا را پشت سر گذاشته است. در این سه دوره به تدریج نقش مراکز آموزشی محدودتر شده است و در حال حاضر آنچه برای مراکز آموزشی باقی مانده است تنها وظیفه اجرای برنامه درسی است.

به طور قطع در به وجود آمدن این وضعیت می‌توان علل مختلفی را بر شمرد که برخی سیاسی و بعضی نیز به دلیل مشکلات چندتألیفی است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- اصطلاحات و تعبیرات غیر یکسان در کتاب‌های درسی مختلف

- قیمت‌گذاری‌های کتاب درسی

- نحوه گزینش و انتخاب مواد آموزشی توسط مدیران و مراکز آموزشی

- نحوه تأیید کتاب‌های درسی (توصیه‌ها، دوستی‌ها...)

- نحوه توزیع کتاب‌ها و تأخیر در ابتدای سال تحصیلی

- آموزش معلمان

اگرچه به نظر می‌رسد موارد ذکر شده کم‌وبیش همراه و همزاد نظام چند تألیفی است و چنین موضوعاتی دغدغه نظام‌های آموزشی دیگر کشورها نیز هست، اما نحوه برخورد مدیران آموزش و پرورش آن زمان با این مشکلات قابل اعتناست. به نظر می‌رسد مدیران آن دوره به جای حل مشکلات چند تألیفی که پیچیدگی‌های زیادی داشت راه‌حل ساده‌تری را انتخاب کردند که شاید به نوعی شبیه پاک کردن صورت مسئله بود. به عبارتی به جای آنکه به تدریج مسائل و مشکلات را حل کنند، خود را به ظاهر برای همیشه از شر این مشکل خلاص کردند. هر چند اتخاذ چنین تصمیمی مبتنی بر مذاکرات و مشورت‌های طولانی بوده است، اما این نکته مغفول مانده که این کار ممکن است مشکلات دیگری را در مجموعه فرهنگی کشور و از جمله آموزش و پرورش ایجاد کند. مشکلاتی از قبیل: افزایش فاصله بین برنامه‌ریزان از یک‌سو و مجریان از سوی دیگر، عدم تعلق خاطر مراکز آموزشی به برنامه‌های درسی، مصرفی کردن مراکز آموزشی، عدم تناسب بین برنامه‌ها و نیازهای محلی و دانش‌آموزان، دور کردن متخصصان، کارشناسان و معلمان از حوزه تدوین مواد آموزشی و افزایش حجم وظایف و فعالیت‌های اجرایی دولت.

به هر حال اکنون پس از گذشت سال‌های بسیار از این تصمیم‌گیری و عملی کردن آن وزارت آموزش و پرورش به نمایندگی دولت جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است این رویه را به صورت منطقی، کارشناسانه و به تدریج تغییر دهد. تصمیم به تغییر رویه در واقع متأثر از دو امر بنیادی است:

۱. توجه و تأکید صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بر افزایش اختیارات عاملان اجرا در برنامه‌ریزی درسی؛
۲. کاهش تصدی‌گری دولت بر اساس سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و مشارکت بخش خصوصی در این امر.

* پی‌نوشت‌ها

۱. مجیدی، موسی. تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران (از دارالفنون تا به امروز)، زمستان ۱۳۶۴، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۴، صص ۹۵-۶۵.
۲. همان.
۳. چاپخانه سنگی دارالفنون یا «دارالطباعه خاصه علمیه مبارکه دارالفنون طهران» همزمان با گشایش مدرسه کار خود را آغاز کرد. در آن چاپخانه از سال تأسیس (۱۲۶۸ق) تا حدود سال ۱۳۰۰ قمری نزدیک به ۴۰ عنوان کتاب درسی چاپ و صحافی شد. این چاپخانه تا سال ۱۳۲۶ق برقرار بوده است.
۴. دولت آبادی، یحیی. ۱۳۱۳، نظریات در تاریخچه معارف، مجله تعلیم و تربیت، سال چهارم.
۵. حاج میرزا حسن رشیدی (۱۳۶۳-۱۲۶۷ق) از نخستین بنیان‌گذاران مدرسه جدید در ایران است. وی را به راستی پیر معارف و پدر مدرسه جدید در ایران لقب داده‌اند. پس از این که مدرسه‌ای را در ایروان تأسیس کرد و مورد توجه ایرانیان قرار گرفت، تشویق شد تا مدرسه‌ای در تبریز بگشاید. گرچه این مدرسه مورد استقبال مردم قرار گرفت، اما برخی با آن مخالفت کرده و چندین بار بسته و رشیدی متواری شد. اما هر بار عشق به تعلیم و تربیت کودکان ایرانی او را به تحمل سختی‌ها و آوار کرد به طوری که نام او زینت بخش تاریخ آموزش و پرورش کشور شد.
۶. آن مدرسه علاوه بر تدریس کودکان، به مردان بی سواد ۲۵ تا ۴۰ ساله هم آموزش می‌داد به طوری که آنان طی ۹۰ ساعت تدریس، خواندن و نوشتن را فرا می‌گرفتند. چندی بعد رشیدی به تهران رفت و کار خود را دنبال کرد.
۷. قاسمی پویا، اقبال. **مدارس جدید در دوره قاجاریه**. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، صص ۲۰۸-۲۰۷.
۸. حاج سید سعید طباطبایی نایینی (متولد ۱۲۹۳ق) یکی از افرادی است که در تعلیم و تربیت و فرهنگ معاصر اصفهان نقش مؤثری داشته است. وی بنیان‌گذار ۱۰ مدرسه، یک کتابخانه و چاپخانه گلپهار در اصفهان و مؤسس کتابخانه گوهرشاد مشهد است. وی ۱۸ جلد کتاب درسی برای دانش‌آموزان تألیف کرده است. رجوع کنید به: نقش حاج سعید

- طباطبایی نایینی در تعلیم و تربیت و فرهنگ معاصر اصفهان، مجتبی ایمانه. یادمان فرهنگ، ج ۱، موزه آموزش و پرورش اصفهان، صص ۸۵-۹۹.
۸. معتمدی، اسفندیار. نخستین دبیرستان در ایران. مجله رشد معلم، سال ۱۸، ش ۳، آذر ۱۳۷۸، صص ۶۴-۶۲.
 ۹. مصوبه شورای عالی معارف، ۱۳۰۴، اصلاح کتب مدارس، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۵، ۱۳۰۴.
 ۱۰. همان.
 ۱۱. همان.
 ۱۲. صدیق پور، عیسی. ۱۳۵۵، **تاریخ فرهنگ ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
 ۱۳. طبع و تألیف کتب در ولایات. بیانات آقای رعدی. ۱۳۱۴. مجله تعلیم و تربیت، شماره ۱.
 ۱۴. تعداد دبیرستان‌ها طی دو سال از ۱۸۰ به ۲۱۷ باب رسید. سال‌نامه مجله تعلیم و تربیت، ۱۳۱۷.
 ۱۵. آل‌احمد، جلال. ۱۳۴۱، بلیشوی کتاب درسی.
 ۱۶. ریاحی، محمدامین. خرداد ۱۳۴۲، مقاله کتاب درسی، ماهنامه آموزش و پرورش. شماره ۴، سال سی و سوم، ص ۹.
 ۱۷. تصویب‌نامه هیئت وزیران به تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۸.
 ۱۸. مجیدی، موسی. تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران (از دارالفنون تا به امروز)، زمستان ۱۳۶۴، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۴، صص ۹۵-۶۵.
 ۱۹. گفت‌وگو با علیرضا صادقی معاون دوره راهنمایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مهرماه ۱۳۸۹، ویژه‌نامه رشد آموزش راهنمایی، دوره شانزدهم، انتشارات دفتر کمک‌آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

* منابع

۱. آدمیت، فریدون. **امیرکبیر و ایران**. تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰، ج ۹.
۲. آربین پور، یحیی. **از صبا تا نیما**. تهران، انتشارات حبیبی، ۱۳۵۳، ج ۲.
۳. اساسنامه رسیدگی به کتب دبیرستانی. ۱۳۳۶.
۴. اساسنامه سازمان کتاب‌های درسی ایران. ۱۳۴۲.
۵. اصلاح کتب مدارس. مجله تعلیم و تربیت. ۱۳۰۴.
۶. این میلیون‌ها تومان پول کجا می‌رفت؟ ماهنامه آموزش و پرورش، سال ۱۳۴۲.
۷. اعتمادالسلطنه محمدحسن‌خان، **المائر و الآثار**. به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳، ج ۳.
۸. خانلری، مصاحبه، ۱۳۴۲ درباره کتاب‌های درسی. مصاحبه دکتر. ماهنامه آموزش و پرورش.
۹. خواجه نصیر طوسی، احمد. ۱۳۵۱، **کتاب‌های درسی ایران، ماهنامه آموزش و پرورش**، دی‌ماه ۱۳۵۱، دوره چهل و دو.
۱۰. راهی که بازگشت ندارد. **ماهنامه آموزش و پرورش**، اردیبهشت ۱۳۴۳.
۱۱. رعدی، ۱۳۱۴، **طبع و تألیف کتب در ولایات**. بیانات آقای رعدی، مجله تعلیم و تربیت شماره ۱.
۱۲. سلطانی‌فر، صدیقه و همکاران. **فهرست کتاب‌های درسی چاپ سنگی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران**. تهران، ۱۳۷۶.
۱۳. صدیق پور، عیسی. ۱۳۴۲، **تاریخ فرهنگ ایران**، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
۱۴. صدیق پور، عیسی. ۱۳۵۴، **یادگار عمر**، انتشارات امیرکبیر، ج ۳.
۱۵. طالقانی، ملکه. ۱۳۴۲، **این کتاب‌ها بلای جان بچه‌های ماست**. ماهنامه آموزش و پرورش.
۱۶. قاسمی پویا، اقبال. **مدارس جدید در دوره قاجار**. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
۱۷. کتب کلاسیکی ابتدایی و متوسطه، ۱۳۰۶. مجله تعلیم و تربیت.
۱۸. لسان، حسین. ۱۳۴۲، **بحثی پیرامون کتاب‌های درسی**. ماهنامه آموزش و پرورش.
۱۹. مجیدی، موسی. **تاریخچه مختصر کتاب‌های درسی و سیر تطور آن در ایران** (از دارالفنون تا به امروز)، زمستان ۱۳۶۴، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۴، صص ۹۵-۶۵.
۲۰. محبوبی اردکانی، حسین. **تاریخ مؤسسات جدید در ایران**. دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۲۱. معتمدی، اسفندیار. **کتاب‌های درسی در ایران**، نشریه اینترنتی جزیره دانش، ۱۳۸۴.
۲۲. موسی پور، نعمت‌الله. **روند تحول برنامه‌های درسی آموزش ابتدایی ایران**، مجموعه مقالات سمپوزیوم نقش آموزش ابتدایی و جایگاه مطلوب آن در جامعه، اصفهان، ۱۳۷۴.
۲۳. موسوی گرماردی، افسانه. **مدرسه دارالفنون**. به همت انجمن ترویج علم ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، خرداد ۱۳۸۲.
۲۴. هاشمیان، احمد (ایرج). **تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون تهران**. مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۷۹.
۲۵. هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی. **خطرات و خطرات**، انتشارات زوار، ۱۳۵۷.
۲۶. یغمایی، اقبال. **مدرسه دارالفنون تهران**، انتشارات سروا، ۱۳۷۶.

* منابع اینترنتی

<http://www.jazirehdanesh.com>
<http://www.farhangsara.com>